



Hazrat-e Masoumeh
University

Cultural Jurisprudence and Law Studies

Vol.2, No.2 Autumn & Winter 2024-2025

PP: 13-32

DOI: 10.22034/CJLS.2025.2069096.1057

Research Paper

Imam Khomeini's Governance Culture toward Religious Minorities Based on Human Dignity

Hamzeh Ali Bahrami*¹, Maryam al-Sadat Hashemi²

1. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Ahl al-Bayt Faculty, University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding Author). Email: bahrame1918@gmail.com

2. PhD in Islamic Theology, Lecturer, Isfahan, Iran. Email: hashmysadat@gmail.com

Abstract

In this study, the term “minority” refers to the followers of non-Muslim divine religions, including Jews, Christians, and Zoroastrians, who live in an Islamic society, enjoy civil rights, and are demographically in the minority. A historical review of societies shows that the rights of minorities have often been neglected and, in some cases, subjected to discrimination. Imam Khomeini, as a prominent contemporary jurist and religious authority—besides his scholarly, mystical, and philosophical stature—was also the founder of the Islamic government. Critics of the Islamic Republic sometimes claim that the legal system rooted in Imam Khomeini's jurisprudence disregards the rights of minorities. Using a documentary–analytical method, this research seeks to respond to such allegations by analyzing Imam Khomeini's works and views regarding religious minorities. The findings demonstrate that, from Imam Khomeini's perspective, not only is no injustice inflicted upon minorities, but within the Islamic system, they enjoy legitimate rights and freedoms, welfare, security, and a peaceful and equal life alongside other citizens. By emphasizing principles such as expediency (maslahah), guardianship (wilayah), sovereignty, and ijtihad, Imam Khomeini enabled the reconsideration of certain subsidiary rulings related to minorities and transformed them into dignified, respectful, and benevolent practices.

Keywords: Religious Minorities; Dignity-Oriented Jurisprudence; Legitimate Rights and Freedoms; Civil Rights; Human Dignity; Imam Khomeini

Received: 2025/04/14

Revised: 2025/06/02

Accepted: 2025/09/04



الگوی فرهنگ حکمرانی امام خمینی (رحمه الله) در قبال اقلیت‌های دینی مبتنی بر کرامت انسانی

حمزه علی بهرامی^۱، مریم السادات هاشمی^۲

۱. دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده اهل‌البیت، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: bahrame1918@gmail.com

۲. دکتری کلام اسلامی، مدرس دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: hashmysadat@gmail.com

چکیده

در این پژوهش، «اقلیت» به پیروان ادیان الهی غیرمسلمان، شامل یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان، اطلاق می‌شود که در جامعه اسلامی زندگی کرده، از حقوق شهروندی برخوردارند و به لحاظ جمعیتی در اقلیت قرار دارند. بررسی تاریخی جوامع نشان می‌دهد که حقوق اقلیت‌ها غالباً کمتر مورد توجه بوده و در مواردی با تبعیض مواجه شده است. امام خمینی (رحمه الله) به‌عنوان فقیه و مرجع برجسته معاصر، افزون بر جایگاه علمی، عرفانی و فلسفی، بنیان‌گذار حکومت اسلامی نیز بوده است. مخالفان جمهوری اسلامی گاه مدعی‌اند که نظام حقوقی مبتنی بر فقه امام خمینی (رحمه الله) نسبت به حقوق اقلیت‌ها بی‌توجه است؛ بنابراین این پژوهش با روش اسنادی - تحلیلی و با هدف پاسخ به این شبهات، به تحلیل آثار و دیدگاه‌های امام خمینی (رحمه الله) درباره اقلیت‌های دینی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که از منظر امام خمینی (رحمه الله)، نه تنها هیچ‌گونه ظلمی بر اقلیت‌ها روا نمی‌شود، بلکه در نظام اسلامی، آنان از حقوق و آزادی‌های مشروع، رفاه، امنیت و زندگی مسالمت‌آمیز و برابر با دیگر شهروندان بهره‌مند می‌شوند. ایشان با تکیه بر اصولی چون مصلحت، ولایت، حاکمیت و اجتهاد، زمینه بازنگری در برخی احکام فرعی مرتبط با اقلیت‌ها را فراهم ساخته و آن‌ها را به کنش‌هایی کریمانه، عزت‌مندانه و همراه با احترام متقابل تبدیل می‌کند.

واژگان کلیدی: اقلیت دینی، فقه کرامت‌محور، حقوق و آزادی‌های مشروع، حقوق شهروندی، کرامت انسانی، امام خمینی (رحمه الله).

ارجاع به مقاله: بهرامی، حمزه علی و هاشمی، مریم السادات. (۱۴۰۴). الگوی فرهنگ حکمرانی امام خمینی (رحمه الله) در قبال اقلیت‌های دینی مبتنی بر کرامت انسانی. مطالعات فقه و حقوق فرهنگی، ۲(۲)، ۱-۱۴.

Doi: 10.22034/cjls.2025.2069096.1057

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی کشور در چارچوب احکام و مبانی فقهی تدوین شد؛ این مبانی تا حد زیادی برگرفته از فتاوا و اندیشه‌های فقهای امامیه، به‌ویژه اندیشه‌های امام خمینی (رحمه الله) هستند. از آغاز استقرار نظام جدید، نقدها و مخالفت‌هایی نسبت به نحوه مدیریت سیاسی و حقوقی کشور مطرح شده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ادعای کم‌توجهی یا بی‌توجهی به حقوق اقلیت‌های دینی است. منتقدان و برخی محافل بین‌المللی مطرح می‌کنند که تمرکز ساختار حقوقی بر مبانی دینی و گفتمان تشیع ممکن است زمینه نقض یا تضعیف حقوق پیروان ادیان غیرمسلمان را فراهم کند؛ این ادعاها در قالب مباحث حقوق بشری و حقوق اقلیت‌ها بارها به‌عنوان مستمسکی برای نقد و محکومیت نظام جمهوری اسلامی مطرح شده است.

با توجه به حساسیت‌های نظری و عملی موضوع، تبیین دقیق مواضع فقهی و کلامی امام خمینی (رحمه الله) درباره اقلیت‌های دینی اهمیت دارد؛ زیرا فهم نادرست یا برداشت‌های سطحی از متون فقهی می‌تواند تصویر نادرستی از رابطه دین و حقوق شهروندی در نظام مبتنی بر فقه ایجاد کند. از منظر علمی، روشن ساختن مبانی فقهی - کلامی اندیشه امام خمینی (رحمه الله) درباره حقوق اقلیت‌ها نه تنها به غنای مباحث نظری فقه سیاسی و حقوق شهروندی می‌افزاید، بلکه در حوزه سیاست‌پژوهی و دیپلماسی حقوقی نیز می‌تواند مبنای پاسخ‌گویی مستدل به اتهامات و شبهات ارائه دهد. پژوهش حاضر با روش اسنادی - تحلیلی به واکاوی آثار و مکتوبات امام خمینی (رحمه الله) می‌پردازد تا مبانی فکری، فقهی و کلامی ایشان در مواجهه با حقوق اقلیت‌های دینی را استخراج و تبیین کند. سؤال اصلی پژوهش این است: «مبنای نظری، فقهی و کلامی امام خمینی (رحمه الله) در مورد حقوق و موقعیت اقلیت‌های دینی چیست و آیا از منظر ایشان نظام اسلامی با حقوق اقلیت‌ها ناسازگار است؟» برای پاسخ به این پرسش، متن‌های کلیدی شامل تحریر الوسیله، جامع الاستفتاءات، صحیفه امام، وصیت‌نامه سیاسی - الهی، سخنرانی‌ها و سایر نوشته‌های امام خمینی (رحمه الله) و نیز قوانین و مقررات مصوب جمهوری اسلامی مرتبط با حقوق اقلیت‌های دینی (از جمله مصوبات مجمع تشخیص مصلحت و قوانین مربوطه) مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

مرور پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که بیش از هفتاد مقاله با محوریت «حقوق اقلیت‌ها» در

مجلات داخلی منتشر شده است. برخی مطالعات به جنبه‌های خاصی از موقعیت اقلیت‌ها در ایران پرداخته‌اند؛ از جمله آثار موسوی بجنوردی و همکارش (بر مقتضیات زمان و مکان و احکام ذمه)، شریف لک‌زایی (مردم‌سالاری دینی و حقوق اقلیت‌ها در نظریه سیاسی امام خمینی (رحمه الله))، حسین توفیقی (دیدگاه امام خمینی (رحمه الله) درباره پیروان ادیان) و علی الهی خراسانی (حقوق شهروندی یکتاپرستان و اقلیت فرقه‌پرستان با تمرکز بر اندیشه امام خمینی (رحمه الله)). هرچند این منابع برای شناخت بخش‌هایی از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله) مفید بوده‌اند، اما تحلیل متمرکز، نظام‌مند و تلفیقی «مبانی فکری، کلامی و فقهی» ایشان در مواجهه با حقوق اقلیت‌های دینی تاکنون به‌طور واضح و جامع انجام نشده است. این کاستی نشان‌دهنده شکاف علمی است که پژوهش حاضر درصدد رفع آن می‌باشد. این پژوهش سهمی در پر کردن این شکاف دارد. با استنتاج اصول کلان فقهی و کلامی (نظیر مصلحت، ولایت، حاکمیت و اجتهاد) و بررسی انتقال این اصول به احکام فرعی و سیاست‌گذاری حقوقی، تبیین خواهد کرد که چگونه در نگاه امام خمینی (رحمه الله) بسیاری از احکام فرعی نسبت به اقلیت‌ها قابل بازبینی منطبق بر کرامت، امنیت و حقوق شهروندی است. دستاوردهای مطالعات می‌تواند هم برای تبیین بین‌الادیانی و تقریب مذاهب سودمند باشد و هم به‌عنوان پاسخ مستدل به اتهامات معاندان درباره ناسازگاری اسلام سیاسی با حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

۱. مفاهیم بنیادین

۱-۱. حق و حقوق

در فقه حق را به معنای سلطنت یا نوعی از سلطنت و مرتبه ضعیفی از مالکیت یا نوعی از ملکیت، تعریف کرده‌اند. از نگاه امام خمینی (رحمه الله) حق امری اعتباری و مرتبه‌ای از سلطنت است که شارع حکیم آن را برای نوع انسان یا افرادی خاص قرار داده است. (امام خمینی، ۱۳۷۸ ب، ج ۴، ص ۲۰۱) حق در فقه بیشتر در قالب مصادیقی مانند حق قضاوت، حق خیار، حق وصایت، حق تحجیر، آمده است. حقوق جمع حق و در معانی گوناگونی به‌کاررفته است. ازجمله برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع، حقوق برای هر کس امتیازهایی در برابر دیگران می‌شناسد؛ این امتیاز را حق می‌نامند و حقوق فردی نیز گفته می‌شود، همانند حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی، شغل و حق زوجیت. بر این اساس حقوق زن به معنای امتیازهای اختصاصی زنان است که دیگران حق تجاوز به آن‌ها را ندارند. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، صص ۱۳-۱۴)

۲-۱. اقلیت

«اقلیت» مصدر جعلی از ماده کمتر است و در اصطلاح معانی مختلفی دارد؛ اما می‌توان سه مؤلفه کمیت غیر حاکم، ویژگی‌ها و خصایص متفاوت از اکثریت و اصرار بر حفظ این ویژگی‌ها را از شاخصه‌های اقلیت نام برد. علی‌رغم اینکه اقلیت‌های می‌توانند انواع و اقسامی از نوع اقلیت دینی، ملی، نژادی، زبانی، سیاسی... داشته باشند ولی معنای موردنظر از اقلیت در این پژوهش اقلیت‌های دینی هستند؛ یعنی گروهایی که مذهب آن‌ها در یک کشور به رسمیت شناخته نشده و به نسبت جمعیت از اقلیت محسوب می‌شوند. این اقلیت‌های دینی می‌تواند شامل ادیان الهی نظیر دین زرتشت و یهود و مسیحیت باشد و هم شامل مذاهبی نظیر اسماعیلیان و بابیه و بهائیه و غالیان و علی‌اللهی‌ها و اهل حق و نصیری‌ها و علویان و گنابادیان و صوفیه و دراویش و قادیانی‌ها و گیلانی‌ها و... باشد. گرچه تبادر عرفی از اقلیت همان اقلیت ادیان الهی است ولی فرقی که گفته شد در ذیل دین اسلام شمره می‌شود. تکلیف فرقی اقلیتی مانند اسماعیله و بهائیه و... از دیگران جدا است.

۳-۱. اهل کتاب

امام خمینی (رحمه الله) در مسئله ۳۱۶ توضیح المسائل در پاسخ به این سؤال که اهل کتاب چه کسانی هستند می‌فرماید: مقصود از اهل کتاب هرکسی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشته و خود را از پیروان پیامبری از پیامبران الهی «علی نبینا و آله و علیهم السلام» بداند و یکی از کتاب‌های الهی را که بر انبیاء علیهم السلام نازل شده، داشته باشند مانند یهود، نصارا، زرتشتی‌ها و هم‌چنین صابئین که بر اساس تحقیقات ما از اهل کتاب هستند و حکم آن‌ها را دارند. معاشرت با پیروان این ادیان با رعایت ضوابط و اخلاق اسلامی اشکال ندارد. (امام خمینی، بی‌تا الف، ج ۱، ص ۱۴۸؛ امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۲۷۱) در نگاه امام خمینی (رحمه الله) اگر اهل کتاب شرایط ذیل را رعایت کنند می‌توانند در جامعه اسلامی زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند. این شرایط عبارت‌اند از:

۱. قبول جزیه، جزیه مالی است که اهل کتاب سالیانه و بر اساس قرارداد ذمه با نظر حاکم اسلامی برای اقامت در سرزمین اسلامی درازای امنیت جانی و مالی پرداخت می‌کنند؛
۲. ترک کارهای منافی امان، مانند اقدام به جنگ و کمک به مشرکان؛
۳. ترک تظاهر به محرمات اسلامی مثل نوشیدن شراب، زنا، خوردن گوشت خوک، نکاح با محارم؛

۴. پذیرش اجرای احکام مسلمانان بر آنان مثل ادای حقوق، ترک محرّمات، اجرای حدود؛
۵. ترک اذیت مسلمانان مانند سرقت اموالشان و جای دادن به جاسوس مشرکان و جاسوسی کردن برای آنان؛
۶. پرهیز از ساختن کنیسه‌های جدید و زدن ناقوس و مرتفع کردن بنا نسبت به بناهای مسلمانان در محله‌های مسلمان‌نشین. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۷۶-۴۷۷)

۲. مبانی مواجهه با حقوق ملل و نحل

در این قسمت به یکسری از مبانی و اصول فکری امام خمینی (رحمه الله) اشاره می‌شود که به‌عنوان قواعد عام و کلی می‌توان ذیل آن‌ها کلیه حقوق اقلیت‌ها را استیفا نمود.

۲-۱. اصل معذوریت

یکی از مبانی فقهی و کلامی برجسته در اندیشه امام خمینی (رحمه الله) که در تحلیل حقوق اقلیت‌های دینی اهمیت می‌یابد، اصل «معذوریت» است. این اصل که ریشه‌هایش در مباحث تکلیف و جهل فقهی قرار دارد، بر این فرض مبتنی است که تفاوت در وضعیت معرفتی افراد (جاهل قاصر یا جاهل مقصر) آثار متفاوتی بر مسئولیت و تکلیف آنان دارد. امام خمینی (رحمه الله) پیروان ادیان غیرمسلمان را به دو دسته عام و خواص تقسیم می‌کند: عوام یعنی کسانی که از بدو تولد و از طریق پرورش اجتماعی و فرهنگی در فضای مذهب خاص خود رشد یافته‌اند و در نتیجه از جهت معرفت معایب و برتری‌های ادیان دیگر جاهل‌اند؛ و خواص یا عالمان غیرمسلمان که به‌دلیل مطالعه، آموزش یا دسترسی به استدلال‌های دیگر، توان داوری عقلانی داشته و در مواردی بر عقاید خود با یقین و جزم ایستادگی می‌کنند. (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳) این تفکیک گرچه در سطح نظری ساده به‌نظر می‌رسد، پیامدهای حقوقی و اجرایی مهمی دارد.

تحلیل مفهومی نشان می‌دهد که «معذوریت» در اندیشه امام خمینی (رحمه الله) یک موقعیت مقید تکلیفی است: یعنی برخی افراد به‌واسطه جهل ناشی از شرایط اجتماعی و فرهنگی، از تقاضای التزام حقوقی کامل معاف یا معذور شناخته می‌شوند؛ نه به‌معنای رفع تکلیف کلی، بلکه در مواجهه با الزاماتی که مستلزم علم و اختیار کامل است. از این منظر، عوام غیرمسلمان

«معذور» محسوب می‌شوند زیرا در فضای تربیتی و تلقینی خود، به صحت مذهب خویش قاطع‌اند و احتمال دیگران برایشان متصور نیست؛ لذا نمی‌توان آنان را در حکم «مقصر شرعی» که با اختیار و علم مخالفت ورزد، دانست. در مقابل، عالم غیرمسلمان که معارف و ادله مخالف را نقد می‌کند و در برابر آن‌ها داوری قاطع دارد، از شمول معذوریت خارج است و در صورت اثبات امتناع معرفتی یا لجاجت، تکالیف و مسئولیت‌های او نزدیک‌تر به تکالیف اهل علم دانسته می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳) این تمایز معرفتی، در سطح حقوقی چند پیامد عملی دارد: اولاً در موضوع مجازات و مسئولیت کیفری و اخلاقی، باید تفاوت میان عدم آگاهی ساختاری و انتخاب آگاهانه لحاظ شود؛ به عبارتی، اعمال تنبیهی یا کیفری که مستلزم احراز سوءنیت یا مسئولیت عرفی است، برای عامه معذور ناموجه جلوه می‌کند مگر آن‌که بر ضد آنان دلیل اقامه شود. ثانیاً در عرصه سیاست‌گذاری دینی و حقوق شهروندی، اصل معذوریت ایجاب می‌کند که نظام حقوقی اسلامی که از فقه سیاسی متأثر است، در مواجهه با اقلیت‌ها رویکردی تمایزگرا اتخاذ کند: حمایت از آزادی‌های پایه‌ای دینی و مدنی برای عوام پیر و دیگر ادیان و پرهیز از تنبیهات مطلق. ثالثاً در تبیین حقوق و تکالیف، این اصل می‌تواند مبنای توسعه رویکردهای ترمیمی، آموزشی و آگاهی‌بخش قرار گیرد تا از جایگزینی مقابله حقوقی صرف به سمت روش‌هایی که جهل ساختاری را هدف می‌گیرند، حرکت شود. از منظر فقهی، پذیرش معذوریت برای گروهی از پیروان ادیان غیرمسلمان با آموزه‌های کلی تکلیف، مناط مسئولیت و عدالت سازگار است؛ زیرا فقه سنتی همواره برای احکام کیفری و تکلیفی، مراتب علم، اختیار و بلوغ را مورد توجه قرار داده است. امام خمینی (رحمه الله) با ذکر مثال‌هایی مقایسه‌ای میان عوام مسلمان و عوام غیرمسلمان بر این تطبیق تأکید می‌ورزد و استدلال می‌کند که «عوام‌الناس غیرمسلمانان مانند مسلمانان به صحت مذهبشان و بطلان سایر مذاهب یقین دارند...» و بنابراین «شخص قاطع در تبعیت از قطع خود معذور است و عصیانگر و گناهکار نیست». (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳) این نگاه نه تنها یک حکم فقهی منفرد است، بلکه مبنای نظری‌ای فراهم می‌آورد تا سیاست‌گذاری‌های اجرایی در قبال اقلیت‌ها معطوف به تمهیدات حفظ کرامت و تضمین حقوق اساسی گردد تا مجازات و تقابل صرف. با این حال، امام خمینی (رحمه الله) همچنین نسبت به وجود «تعصب و عناد» در میان برخی از پیروان ادیان هشدار می‌دهد و اذعان می‌دارد که گروهی از خواص ممکن است از پاسخ‌گویی به استدلال‌های مخالف خود خودداری کنند و تحت تأثیر لجاجت یا دشمنی قرار گیرند؛ این گروه در قلمرو معذوریت قرار نمی‌گیرد و باید با استدلال و

اقامه دلیل روبرو شود. به عبارت دیگر، معذوریت یک قاعده عمومی است اما واجد استثنایی که مبتنی بر احراز اتهام معرفتی و اخلاقی اند. (امام خمینی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۳) در خاتمه، اصل معذوریت در چارچوب این پژوهش به عنوان یکی از مبانی کلیدی مواجهه با حقوق اقلیت‌ها عمل می‌کند:

۱. مبنایی برای تفکیک مسئولیت‌های تکلیفی و کیفری افراد بر اساس وضع معرفتی‌شان؛
۲. ابزار نظری برای توجیه سیاست‌های محافظه‌کارانه در برابر مجازات‌های تام و وضعی؛
۳. مبنایی برای پیشنهاد راهبردهای آموزشی و آگاهی‌بخش که می‌تواند به بهبود توازن میان امنیت اجتماعی و احترام به آزادی‌های دینی منجر شود.

۲-۲. اصل تعهد

«تعهد» واژه‌ای عربی و از ریشه عهد به معنای پیمان، وصیت و به گردن گرفتن امری است. (این منظور، ۱۹۸۸، ج ۹، ص ۴۴۸) در زبان پارسی نیز وفای به عهد در همین معانی به کار رفته است. در فقه و حقوق، واژه تعهد در معنای عام معادل الزام، التزام، شرط، اشتراط، عهد، عهده، ضمان، تکلیف و شامل تمام تکالیف و حقوق دینی است؛ خواه از نوع الزامات قهری و قانونی ناشی از اسباب قهری، خواه از التزامات ارادی و قراردادی به شمار رود و منشأ قراردادی داشته باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۱۷-۱۹) برحسب این اصل انسان‌ها باید به تعهدات خود پایبند باشند. ریشه و منشأ این اصل آیات قرآن و روایات است (مانده: ۱، ۵؛ توبه: ۵؛ اسراء: ۱۷ و ۳۴...) برحسب آیات قرآن، اهل کتاب می‌توانند با بستن قرارداد «ذمه» از مزایای حقوقی و آزادی‌های شایسته مقام انسانی بهره‌مند شوند. به موجب تعهد «ذمه» اهل ذمه در قبال تعهداتی از حمایت همه‌جانبه دولت اسلامی برخوردار می‌شوند؛ یعنی در عمل، آن‌ها تابع شریعت خاص خود هستند و به معنای واقعی، موردحمایت دولت اسلامی هستند. مادام که آنان بر پیمان‌شان وفادار بمانند، موردحمایت اسلام هستند. به موجب تعهد اهل ذمه اهل کتاب مصونیت همه‌جانبه داشته و جان و مال و ناموس و عرض آن‌ها محترم و موردحمایت حاکمیت اسلامی و منع از تجاوز دیگران است. همچنین آنان آزادی مذهبی در انجام مناسک دارند؛ و در هنگام نزاع می‌توانند به مراجع قضایی اسلام مراجعه کنند. به استثنای سرزمین حجاز (مکه) می‌توانند در هر جایی سکونت داشته باشند؛ و از آزادی روابط اقتصادی و حتی ازدواج موقت با مسلمانان بهره‌مند بشوند. (امام خمینی ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۳۰)

۳-۲. اصل مصونیت

در یک تقسیم اقلیت‌ها را می‌توان به دو قسم اقلیت‌های رسمی و اقلیت‌های غیررسمی تقسیم نمود. اقلیت‌های رسمی و شناخته‌شده در اسلام، عبارت از گروه‌هایی هستند که از آیین‌های الهی سه‌گانه یهودی، مسیحی و زرتشتی پیروی می‌کنند که در اصطلاح فقه اسلامی «اهل کتاب» نامیده می‌شوند. اهل کتاب اهلیت انعقاد قرارداد اهل ذمه با مسلمانان دارند و بهره‌مند از کلیه حقوق شهروندی هستند؛ اما اقلیت‌های غیررسمی و به رسمیت شناخته‌نشده در جامعه اسلامی و قانون اساسی آن دسته از اقلیت‌ها هستند که ذیل اهل کتاب و ادیان الهی و توحیدی قرار نمی‌گیرند. نظیر ملحدان و اتئیست‌ها، ماتریالیست‌ها، مشرکان، فرق و عرفان‌های نوظهور نظیر بهائیت، علی‌اللهی‌ها، اشو، اکنکار، دالای لاما،... به نظر می‌رسد که نمی‌توان این گروه‌ها را مجبور به پذیرش اسلام یا اخراج از جامعه اسلامی و یا اعلان جنگ نمود. این گروه‌ها فارغ از مذهب و عقیده شهروند و تابعیت جامعه اسلامی دارند و تا زمانی که فتنه‌ای مرتکب نشوند؛ مشمول عدالت اجتماعی و کلیه حقوق شهروندی هستند. (الهی خراسانی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۷) امام خمینی (رحمه الله) درباره این نوع از اقلیت‌ها می‌فرماید: کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمان‌های دیگر درباره آن‌ها جاری است و محقون الدّم بوده و مالشان محترم است. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۳۰۴)

۴-۲. اصل تابعیت

«تابعیت» در اصطلاح حقوقی عبارت است از ارتباط یک شخص اعم از حقیقی یا حقوقی با یک دولت ملت که ثمره آن در داخل قلمرو دولت مذکور بهره‌مندی شخص از حمایت کنسولی و دیپلماتیک دولت مطبوع است. بر این اساس تمام انواع اتباع ایران فارغ از دین خود در چارچوب قوانین داخلی از کلیه حقوق شهروندی دولت ایران که عمده آن در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی تحت عنوان (حقوق ملت) ذکر شده است بهره‌مند هستند (هاشمی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۶۶) از نظر امام خمینی (رحمه الله) برخورداری از حقوق اجتماعی در جامعه بر اساس تابعیت کشور است و تمام شهروندان ایرانی از حقوق اجتماعی برخوردار هستند در این زمینه اقلیت‌های مذهبی نیز همچون مسلمانان از این حقوق برخوردار هستند به عبارت دیگر حقوق اجتماعی بر اساس مذهب در جامعه توزیع نمی‌شود تمام ایرانیان حق دارند از حقوق اجتماعی برخوردار باشند مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذهب دیگر فرق ندارد. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۵۰۹)

۲-۵. اصل مصلحت

در فقه شیعه «مصلحت»، از مهم‌ترین ویژگی‌های تصمیم‌گیری رهبری مشروع حکومت اسلامی است؛ بنابراین رهبران حکومت همواره باید در همه قانون‌گذاری و چگونگی اجرای قوانین بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و... مصلحت جامعه اسلامی را مدنظر خود ساخته و از قلمرو آن پا فراتر نهند. امام خمینی (رحمه‌الله) در مورد رابطه ولایت فقیه و مصلحت طرحی نو در انداخت. از منظر امام خمینی (رحمه‌الله) مصلحت به معنای منافع است که به جامعه اسلامی برمی‌گردد و گستره وسیعی دارد. به‌گونه‌ای که منافع دنیوی و اخروی و فرهنگی و اقتصادی را در برمی‌گیرد. در تاریخ فقه شیعه ایشان نخستین فقیهی است که موفق به تشکیل حکومت شد. امام مصلحت دین و مردم را به هم پیوند می‌زند به‌گونه‌ای که تأکید بر ولایت به نفعی مردم و تأکید بر مردم به نفعی ولایت نمی‌انجامد. ایشان با تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در کنار شورای نگهبان نقش برجسته‌ای به مصلحت در تدوین قوانین اسلامی و حکومتی دارد. به‌نوعی مصلحت ارزش دادن به عقل در کنار نقل است. امام خمینی (رحمه‌الله) در بهمن ۱۳۶۶ فرمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام را دادند تا در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به طور قانونی و شرعی توافق حاصل نگردد مجمعی مرکب از فقهای شورای نگهبان و اشخاص دیگری که آن‌ها را نام بردند برای تشخیص مصلحت نظام اسلامی تشکیل گردد. امام خمینی (رحمه‌الله) در توسعه به اعضا تأکید فرمودند که باید مصلحت نظام در نظر گرفته شود چون از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش مکان و زمان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌ها می‌باشد. مباحث طلبگی مدارس که در چارچوب نظری است نه تنها قابل حل نیست که ما را به بن‌بست‌هایی می‌کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می‌شود؛ بنابراین در عین اینکه باید همه توان به کار گرفته شود تا خلاف شرعی صورت نگیرد باید کوشش شود که اسلام در پیچ‌وخم‌های سیاسی و اجتماعی و نظامی و اقتصادی متهم به عدم قدرت برای اداره جهان نشود. (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۱) مطابق با این نظریه، حاکم و ولی فقیه در نظام سیاسی از اختیاراتی برخوردار است که می‌تواند خارج از چهارچوب شرعیات و احکام فرعی با مجوز مصلحت عمومی جامعه و مردم حکم صادر نماید. برخی از این اختیارات عبارت‌اند از: تحدید مالکیت خصوصی، کنترل موالید، خراب کردن مسجد یا منزل ضرار، جلوگیری از گران‌فروشی، قیمت‌گذاری و لغو یک‌جانبه قراردادهای شرعی و غیره. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۷۷) از دیدگاه امام حاکم

اسلامی می‌تواند کاری که به مصلحت مردم است انجام دهد؛ مانند ثابت نگه‌داشتن قیمت‌ها و محدود کردن تجارت یا غیر آن^۱ (امام خمینی ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۹۹۲) امام خمینی (رحمه الله) در اهمیت مصلحت به کارگزاران نظام چنین می‌فرماید: «مصلحت نظام از امور مهمه‌ای است که گاهی غفلت از آن باعث شکست اسلام می‌گردد. مصلحت نظام و مردم از امور مهمی است که مقاومت در برابر آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های نزدیک یا دور به زیر سؤال ببرد؛ و اسلام آمریکایی متکبرین و مستکبرین را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی خارج و داخل آن‌ها پیروز گرداند». (امام خمینی ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۴۶۵) در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر همه چیز است؛ و همه باید تابع آن باشیم. (امام خمینی ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۳۳۵)

مصلحت تقدیم قاعده اهم بر مهم است. علمای اصول از قاعده اهم و مهم در مبحث تراحم بحث می‌کنند. امام خمینی (رحمه الله) به این قاعده اهمیت و عمل می‌کند به گونه‌ای که گاهی اهمیت آن هم به مثابه نوشیدن جام زهر باشد.

۲-۵-۱. نسبت اصل مصلحت با اصل حاکمیت

احکام حکومتی ارتباطی عمیق و بلکه ملازم‌های دائمی با مصلحت دارند، به طوری که بسیاری از فقها، مصلحت را در تعریف حکم حکومتی وارد نموده و آن را از ارکان حکم حکومتی دانسته‌اند. امام خمینی (رحمه الله) نیز در این زمینه همچون آتش زدن مسجد ضرار در تبعیت از وحی الهی توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به دلیل وجود مصلحت در تخریب آن یا صحیح دانستن تصرفات مردم در اموالی که به‌عنوان زکات، خمس و غیره باید به ائمه اطهار (علیهم السلام) پرداخت می‌شد، ضمن پیوند بین حکم حکومتی و مصلحت، اعمال اختیارات حاکم را به مصلحت عمومی جامعه اسلامی مقید نموده است. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۶۱۷) لازم به ذکر است از آنجایی که حاکم حکومت اسلامی از ولایت مطلقه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برخوردار است که به ولی فقیه واگذار شده، دستورات و احکامی که از ناحیه ایشان صادر می‌شود، زمانی لازم‌الاجرا است که تابع مصلحت بوده و موافق با آن باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۸۱) بنابراین برحسب اصل مصلحت اگر

۱. «للإمام (عليه السلام) والى المسلمين ان يعمل ما هو صلاح المسلمين من تثبيت سعر او صنع او حصر تجاره او غيرها مما هو

دخيل فى النظام و صلاح للجماعه»

حاکم اسلامی مصلحتی را ببیند که به نفع حقوق اقلیت‌ها است یا مصلحت را در عدم اجرای حکمی ببیند که به ضرر اقلیت‌ها است می‌تواند اعمال کند.

۲-۶. اصل مقتضیات زمان و مکان

امام خمینی (رحمه‌الله) یکی از فقهای بود که با روشنگری هرچه تمام‌تر فقه پویای جعفری را تبیین کرده و دو عنصر مکان و زمان را در اجتهاد مورد بررسی قرار داد و توانست با حفظ اصول شریعت و دین اسلام پاسخگوی نیازهای زمانه هم باشد. امام در پیامی که به منشور روحانیت معروف شده است، می‌فرماید: «مکان و زمان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهاد هستند. مسئله‌ای که در زمان قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر اجتماع و سیاست و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد». (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۲۸۹) ایشان در موعظه‌ای دلسوزانه از اعضای شورای نگهبان می‌خواهند که در بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی، مصلحت نظام را در نظر داشته باشند زیرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پرآشوب کنونی نقش مکان و زمان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیری‌ها است. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱، ص ۲۱۷) وضعیت اقلیت‌ها نیز یکی از این مصادیق تغییر یافته در طول زمان است؛ لذا می‌تواند تحت تأثیر نظریه مقتضیات مکان و زمان قرار گیرد. آنان در گذشته فقط با پرداخت جزیه و قرارداد ذمه و رعایت یکسری مقررات می‌توانستند در جامعه اسلامی زندگی بکنند؛ ولی امروزه به جای جزیه مالیات پرداخت می‌کنند؛ و همانند دیگر مسلمانان از حقوق شهروندی بهره‌مند بوده و به‌طور مسالمت‌آمیز در کنار مسلمانان زندگی کرده و با همراهی و همدلی در پیشبرد امور مملکت نقش‌آفرینی می‌کنند و از حقوقی یکسان و برابر برخوردار هستند. اگر در گذشته مرتفع ساختن خانه‌های کافران نسبت به مسلمانان به منزله برتری آن‌ها بوده و لذا ممنوع بود، ولی امروزه این مسئله نشانه برتری و علو حساب نمی‌شود؛ بنابراین با تغییر موضوع، حکم هم تغییر می‌کند. امروزه که اهل کتاب در اداره امور مملکت شرکت می‌کنند در دفاع از کشور نقش فعالی ایفا کرده، در قوه مقننه نماینده دارند و در قانون‌گذاری فعال بوده و همچون مسلمانان نسبت به سرنوشت کشور خود حساس می‌باشند؛ و هیچ‌گونه قصد برتری جویی و سلطه یا تمرد هم نسبت به قوانین موضوعه ندارند، آیا بازبینی و بازنگری در یکسری از احکام مرتبط با آن‌ها ضرورت نمی‌یابد؟

افزون بر این وضع احکام شرعی تابع مصالح و مفسد است؛ و در صورت ایجاد مفسده، یا رفع مصلحت حکم هم به تبع آن تغییر می‌یابد. امروزه مصالح بین‌المللی هم جزو مصالح اسلام در نظر گرفته می‌شود که در برداشت‌های فقهی بایستی حتماً ملاحظه شود. واقعیتی که ما امروزه به نام «مصالح بین‌المللی» مشاهده می‌کنیم چه بسا برای فقهای سده‌های پیشین معنا و مفهومی نداشته است تا بخواهند در دیدگاه‌های فقهی خود به دیده اعتبار به آن نگاه کنند. با الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی و قبول قوانین حقوق بشر، وضع جزیه یا مقرراتی توأم با شائبه توهین و تحقیر به سایر انسان‌ها، به هیچ وجه به مصلحت نیست؛ بنابراین با استمداد از نظریه «تأثیر مقتضیات مکان و زمان در احکام شرعی» می‌توان در بسیاری از احکام شرعی مربوط به اقلیت‌ها از جمله شهادت و قضا و دیات و غیره تجدید نظر کرد و این رسالت سنگین بر دوش فقهای عظام است. (موسوی بجنوردی و افضل‌ی قادری، ۱۳۹۳، ص ۲۱-۴۹)

۷-۲. اصل برابری و مساوات و عدالت

برحسب اصل مساوات همه انسان‌ها در بهره‌مندی از مزایای حقوقی به صورت یکسان و مساوی هستند. در اندیشه امام خمینی (رحمه الله) ملل و نحلی که اهل توطئه و فتنه‌انگیزی و محلل به امنیت و آسایش جامعه نباشند و همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته باشند در نظام اسلامی همانند سایر افراد از حقوق برابر برخوردارند. امام خمینی (رحمه الله) می‌فرماید: «آن‌ها با سایر افراد در همه چیز مشترک می‌باشند و حقوقشان به حسب قوانین داده می‌شود و در حکومت اسلامی آن‌ها در رفاه و آسایش هستند». (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۲۹۰-۲۹۱)

۸-۲. اصل برادری

امام خمینی (رحمه الله) در جواب سؤال: «سیاست کلی شما راجع به اقلیت‌های مذهبی در آینده چیست؟» می‌فرماید: «اقلیت‌های مذهبی در آینده آزاد هستند و در ایران در رفاه زندگی خواهند کرد و ما با آن‌ها باکمال انصاف و مطابق با قانون عمل خواهیم کرد. آنان برادران ایرانی ما هستند». (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۱۶۱) همچنین ایشان می‌فرماید: «روحانیون تابع قرآن و اسلام هستند. قرآن و اسلام احترام برای شما قائل هست و شما را مثل برادر می‌پذیرد». (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۲۱۹)

۹-۲. اصل احترام و کرامت انسانی

برحسب اصل احترام همه آدمیان محترم هستند. امام خمینی (رحمه الله) در تفاوت اقلیت‌های فتنه‌انگیز با اقلیت‌های مسالمت‌آمیز می‌فرماید: «اقلیت‌های مذهبی که از صدر اسلام، بعد از فتح اسلام، بین مسلمین بودند، این‌ها غیر از آن مشرکینی که توطئه‌گر بودند یا بعضی از اقشاری که توطئه می‌کردند و می‌خواستند وضع بشر را به هم بزنند، این‌هایی که از اقلیت‌های مذهبی بودند، تمام در اسلام احترام داشتند... در یکی از قضایا - که لشکری از معاویه شاید بود - آمد و یک خلخالی از پای یک زن یهودیه بود - به حسب نقل - حضرت امیر فرمودند که: من شنیدم که آمدند و یک خلخالی از ذمیه‌ای ربوده‌اند و اگر انسان بمیرد - قریب به این معنی - این اشکالی برایش نیست! این طور عنایت داشتند، به حفظ مصالح همه اقشار». (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۱۶۴ و ج ۱۱، ص ۲۵) ما برای اقلیت مذهبی احترام قائل هستیم. این‌ها اهل ملت ما هستند، اهل مملکت ما هستند؛ و من امیدوارم که حکومت عدل اسلامی برای آن‌ها بسیار خوب باشد و در پناه اسلام با زندگی مرفه، آزاد و به‌طور صحیح اینجا زندگی بکنند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۱۶) همچنین می‌فرماید: «مجلس جمهوری اسلامی، همان‌سان که در خدمت مسلمین است و برای رفاه آنان فعالیت می‌نماید، برای رفاه و آسایش اقلیت‌های مذهبی که در اسلام احترام خاصی دارند و از قشرهای محترم کشور هستند، اقدام و فعالیت می‌نماید و اساساً آنان با مسلمانان در صف واحد و برای کشور خدمت می‌کنند و در صف واحد از تمام ارزش‌ها و مآثر آن برخوردار می‌باشند». (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۱۲۳) و افزودند: «اقلیت‌های مذهبی در اسلام احترام دارند و آن‌ها هم مثل سایر اقشار ملت با رفاه در آن‌جا زندگی خواهند کرد و هیچ گرفتاری برای آن‌ها نخواهد بود». (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۵۹)

۱۰-۲. اصل آزادی تبلیغ و اظهار عقیده

برحسب این اصل اقلیت‌های رسمی می‌توانند آزادانه اعمال و مناسک و مراسمات و اعیاد و شعائر مذهبی خود را انجام بدهند که نوعی تبلیغ آیین و مذهبشان هم می‌باشد. از دیدگاه امام، تمام اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی می‌توانند به کلیه امور خود آزادانه عمل نمایند. اسلام همیشه حافظ حقوق مشروع اقلیت‌های مذهبی بوده و هست آنان در جمهوری اسلامی آزاد هستند و آزادانه به مسائل خود می‌پردازند و در پناه حکومت اسلامی چون بقیه افراد در اظهار عقیده آزاد هستند. (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۱۸۹؛ ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۲۵ و ج ۴، ص ۳۳)

همچنین تمام مذاهب در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۰۳) ایشان فرمودند: «همه اقلیت‌های مذهبی در اسلام محترم هستند و همه‌گونه آزادی برای انجام فرایض مذهبی خود دارند. ما با هیچ بشری ضدیت نداریم. آنان ایرانی‌اند و مثل سایر ایرانیان همه‌گونه حق دارند». (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۰۱) و افزودند: «ما طبیعتاً نسبت به عقاید مذهبی دیگران، بیش‌ترین احترام را پس از سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک رژیم آزاد می‌گذاریم، شرایط حیات برای اکثریت مسلمان و اقلیت‌های مذهبی بسیار خوب خواهد شد. اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت‌های مذهبی آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده است، بهره‌مند شوند. ما به بهترین وجه از آنان نگهداری می‌کنیم. در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند». (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۳ و ۳۶۳) امام خمینی (رحمه الله) در پاسخ به سؤال: «در مورد آزادی بیان و عقیده، شما چه حدودی را در نظر دارید؟ آیا فکر می‌کنید باید محدودیت‌هایی قائل شد، یا نه؟» می‌فرماید: «اگر مضر به حال ملت نباشد، بیان همه چیز آزاد است. چیزهایی آزاد نیست که مضر به حال ملت ما باشد» همچنین در پاسخ به سؤال: «آیا فکر می‌کنید که گروه‌های چپ و مارکسیست که در ایران هستند، آزادانه فعالیت خواهند داشت؟» می‌فرماید: «اگر مضر به حال ملت باشد جلوگیری می‌شود؛ اگر نباشد و فقط اظهار عقیده باشد، مانعی ندارد». (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۵۹) بنابراین، برابر دیدگاه دقیق و روشن امام خمینی (رحمه الله)، حتی گروه‌های ملحد و فرقه‌پرستی چون مارکسیست‌ها، از آزادی بیان و دیگر حقوق شهروندی برخوردارند، مادامی‌که به امنیت و استقلال جامعه خللی وارد نسازند و توطئه و ضرری علیه شهروندان نداشته باشند.

۱۱-۲. اصل مسئولیت

از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله) وظیفه حکومت اسلامی حمایت از حقوق اقلیت‌های مذهبی است حکومت اسلامی باید از حقوق آنان همچون سایر شهروندان دفاع کند. امام در پاسخ به سؤالی درباره روابط میان اقلیت‌ها می‌فرماید: «اقلیت‌های مذهبی، نه‌تنها آزادند، بلکه دولت اسلامی موظف است از حقوق آنان دفاع کند؛ و دیگر این‌که هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان، یا مسیحی و یا یهودی و یا مذهب دیگر

فرقی ندارد». (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۲۵ و ج ۳ ص ۱۵۹؛ ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۴۴۳) همچنین ایشان می‌فرمایند: «من بارها گفته‌ام که آنان در ایران آزادانه مراسم خود را انجام می‌دهند و ما موظفیم از آنان نگهداری نمایم». (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۹۵) حکومت اسلامی، خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۰۳)

۲-۱۲. اصل امنیت

امام خمینی (رحمه الله) درباره امنیت اقلیت‌های ساکن در ایران، می‌گویند: «به این یهودی‌ها که در ایران هستند کسی حق ندارد تعرض بکند، این‌ها در پناه اسلام و مسلمین هستند، نه به یهودی‌ها و نه به نصارا، این‌هایی که مذهب رسمی دارند، حق ندارند تعرضی بکنند». (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۲۵۱) امام در بحث فقهی خود می‌نویسد: «در صورت پایبندی اقلیت‌ها به شرایط ذمه، در امنیت کامل به سر می‌برند و هیچ شخصی نیز حق تعرض به آنان را ندارد». (امام خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۵۰۱-۵۰۲)

۲-۱۳. اصل مشارکت

برحسب این اصل همه شهروندان حق مشارکت در سرنوشت سیاسی اجتماعی جامعه را دارند. اقلیت‌های رسمی می‌توانند از میان خود نماینده‌ای را در مجلس قانون‌گذاری انتخاب نمایند تا از حقوق ایشان در مجلس پاسداری کند و برای رفع نیازها و مشکلات ایشان اقدام نماید. امام خمینی (رحمه الله) در پاسخ سؤال: «آیا دولت جدید مورد نظر شما صد در صد اسلامی است؟ به این معنی که حکومت آینده، محلی برای یهودیان، مسیحیان و سایر اقلیت‌های مذهبی خواهد بود یا نه؟» می‌فرماید: «البته که در حکومت اسلامی، محلی برای اقلیت‌های مذهبی وجود دارد و آن‌ها آلاَن هم وکیل دارند و در مجلس واردند، ما در حکومت اسلامی هم برای آن‌ها این حق را قائلیم». (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۵۷) از نظر ایشان همه اقشار ملت، با ملت شریک هستند در حقوق؛ و حقوق همه به آن‌ها داده خواهد شد. اقلیت‌های مذهبی در اسلام احترام دارند، حقوق دارند؛ حقوق آن‌ها داده خواهد شد. در عمل به مذهب - به مذهب خودشان - در رأی دادن برای وکلای خودشان آزادند. همه اقشار آزاد هستند. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۱۹)

۲-۱۴. اصل حاکمیت

حکم حکومتی دستورها مقررات و قوانینی است که حاکم جامعه اسلامی بر اساس مصلحت در حوزه مسائل اجتماعی به منظور اجرای احکام شرع یا اداره جامعه به طور مستقیم یا غیرمستقیم وضع می‌کند از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله) احکام حکومتی از احکام اولیه اسلام است ایشان می‌فرماید ولایت فقیه و حکم حکومتی از احکام اولیه است. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۱۷۴) امام خمینی (رحمه الله) تشکیل حکومت را از احکام اولیه اسلام معرفی می‌کند و با محور فرض کردن مقوله حکومت، نیازهای حکومتی را بر سایر نیازهای فردی مقدم دانسته و این چنین اظهار می‌دارد: «حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول‌الله (صلى الله عليه وآله) است، یکی از احکام اولیه اسلام است؛ و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است». (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف، ج ۲، ص ۴۵۲) امام معتقدند احکام حکومتی برای تکوین دولت اسلامی و اداره سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و در مسیر رفع نیازهای کلان اداره جامعه، تشریح شده است. (امام خمینی، بی‌تاب، ص ۲۸) با این بیان حاکم اسلامی با ولایتی که دارد هرگاه ببیند به حقوق اقلیت‌ها اجحاف می‌شود؛ می‌تواند به وضع احکام حکومتی بپردازد.

نتیجه‌گیری

برآیند این پژوهش نشان می‌دهد که هرچند دستیابی به همه احکام جزئی و تفصیلی مربوط به وضعیت‌های حقوقی گوناگون اقلیت‌های دینی در آثار و فتاوای امام خمینی (رحمه الله) با محدودیت‌هایی همراه است، اما می‌توان مجموعه‌ای منسجم از مبانی کلان و اصول راهبردی را از منظومه فکری ایشان استخراج کرد که قابلیت تعمیم به مسائل نوپدید و متنوع را دارند. این مبانی در عین اتکا به منابع اصیل فقه امامیه، واجد بُعد تمدنی، اخلاقی و عرفانی‌اند و به‌جای تأکید صرف بر احکام خرد و موردی، به غایات اجتماعی، انسجام مدنی و کرامت ذاتی انسان توجه ویژه دارند. از این منظر، نگاه امام، رویکردی مقصدگرایانه است که در آن حفظ نظم عمومی، ارتقای معنویت جمعی و صیانت از ارزش‌های انسانی، بر اجرای خشک و فرمال احکام جزئی تقدم می‌یابد. امام خمینی (رحمه الله) با تفکیک میان اقلیت‌های مسالمت‌جو و اقلیت‌هایی که با فتنه‌انگیزی یا هم‌پیمانی با جریان‌های استعماری امنیت و تمامیت جامعه اسلامی را تهدید می‌کنند، چارچوبی انعطاف‌پذیر برای تمایز حقوقی و سیاسی میان این دو گروه پیشنهاد می‌کند. در این چارچوب، اکثریت اقلیت‌ها که در چهارچوب نظم و قوانین

جامعه اسلامی فعالیت می‌کنند، از حقوق کامل شهروندی برخوردارند. این حقوق شامل امنیت جانی، مالی و آیینی، بهره‌مندی برابر از خدمات و فرصت‌های اجتماعی، آزادی در انجام مناسک دینی در حد تعارض نداشتن با مصالح عمومی و امکان مشارکت سازنده در عرصه‌های اقتصادی و حتی سیاسی است. مبانی نظری این رویکرد بر پیوندی ظریف میان مصونیت، معذوریت، مساوات، کرامت، تابعیت، آزادی مشروط، مشروعیت، مصلحت، برادری و مشارکت استوار است. هر یک از این مفاهیم در آثار امام، نه به صورت مجرد بلکه در ارتباط با یکدیگر، تبیین و صورت‌بندی شده‌اند تا مجموعه‌ای هماهنگ و منسجم ایجاد کنند. ترکیب این عناصر به مدلی منحصر به فرد می‌انجامد که می‌توان آن را «حقوق مشروط مبتنی بر کرامت ذاتی» نامید؛ مدلی که نه به مطلق‌گرایی حقوق بشر در چارچوب لیبرالیسم متمایل می‌شود و نه به انحصارگرایی فقهی افراطی، بلکه می‌کوشد میان التزام به شریعت و رعایت اقتضائات زندگی مشترک چنددینی تعادل برقرار کند. این رویکرد را در ادبیات حقوقی معاصر می‌توان مصداقی از «پلورالیسم حقوقی در بستر فقه شیعی» دانست. تحقق عملی این چارچوب، به باور امام، مستلزم ایجاد بسترهای قانونی و نهادی برای تعریف دقیق مرزهای حقوق و تکالیف اقلیت‌ها، تضمین آزادی‌های اساسی آنان و فراهم‌سازی امکان مشارکت فعالشان در حیات مدنی و سیاسی جامعه است. افزون بر این، بُعد فرهنگی این مسئله نیز اهمیت بنیادین دارد؛ زیرا آموزش، آگاهی‌بخشی و کاهش جهل ساختاری، هم در میان اکثریت و هم در میان اقلیت‌ها، نقشی اساسی در پیشگیری از تعصب و سوءبرداشت‌ها ایفا می‌کند. در واقع، نگاه امام خمینی (رحمه الله) نشان می‌دهد که حمایت از حقوق اقلیت‌ها، اگر بر پایه کرامت ذاتی و عقلانیت سیاسی بنا شود، نه تنها با حفظ هویت اسلامی و امنیت ملی منافات ندارد، بلکه عاملی برای تقویت همبستگی، عدالت اجتماعی و پایداری تمدنی جامعه اسلامی خواهد بود.

منابع

- قرآن کریم

۱. ابن منظور، امام العامه (۱۹۸۸ م). لسان العرب. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲. امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸ الف). صحیفه امام (جلد ۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۳. _____ (۱۳۷۸ ب). کتاب البیع (جلد ۲ و ۴)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۴. _____ (۱۳۷۹). صحیفه نور (جلد ۱). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۵. _____ (۱۳۸۱). المکاسب المحرمه. قم: المطبعة العلمية.
۶. _____ (۱۳۸۵). ترجمه تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۷. _____ (۱۳۸۶). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۸. _____ (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۹. _____ (۱۴۲۱ ق). تحریر الوسیله (جلد ۱ و ۲) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۱۰. _____ (بی تا الف). رساله توضیح المسائل امام خمینی (رحمه الله) و سایر مراجع، اصولی احسان و محمدحسن بنی هاشمی (جلد ۱). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. _____ (بی تا ب). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله).
۱۲. الهی خراسانی، علی (۱۳۹۳). حقوق شهروندی یکتاپرستان و اقلیت فرقه پرستان در حکومت اسلامی با تمرکز دیدگاه امام خمینی. نشریه حوزه، دوره ۳۱، شماره ۱۷۱، صص ۱۱۷-۱۴۹.
۱۳. توفیقی، حسین (۱۳۸۱). دیدگاه امام خمینی (رحمه الله) درباره پیروان ادیان. دو فصلنامه هفت آسمان، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۲۹-۳۶.
۱۴. کاتوزیان ناصر (۱۳۷۴). حقوق مدنی: نظریه عمومی تعهدات. تهران: مؤسسه نشر یلدا.

۱۵. موسوی بجنوردی، سید محمد، افضل‌ی قادری، فرحناز (۱۳۹۳). تاثیر تئوری مقتضیات زمان و مکان بر احکام ذمّه با رویکردی بر نظر امام خمینی (رحمه الله). پژوهشنامه متین، دوره ۱۶، شماره ۶۲، صص ۲۱-۴۹.
۱۶. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (چاپ چهاردهم، جلد ۱). تهران: میزان.
۱۷. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله) (بی‌تا). خلاصه زندگی نامه روح‌الله خمینی. تارنمای جامع امام خمینی (رحمه الله). <https://www.imam-khomeini.ir/fa/n9035>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی